

پیش‌خواب

«سازمان سیاسی بهائیت» در آینه یک پژوهش نوانتشار

رؤیایها و هدف‌های سیاسی یک فرقه

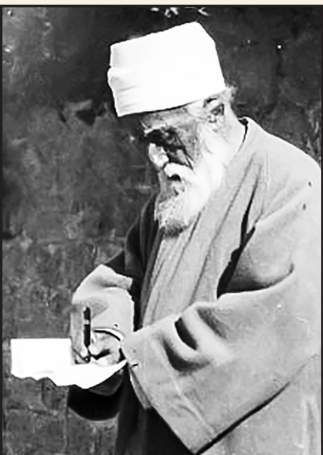
■ **احمد رضا صدری**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، کوشیده است فرقه بهائیت را در شمایل سیاسی و جدید خود مورد رونمایی قرار دهد.

علمی فراوانی بر این فرقه به نگارش در آمده، اما از «سازمان سیاسی بهائیت» کمتر سخن به میان آمده است. این پژوهش توسط دکتر حمیدرضا اسماعیلی به نگارش در آمده و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، به انتشار آن همت گماشته است. ناشر در دیپاچه این کتاب درباره محتوای آن، نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است:

«کتاب جدید مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با عنوان سازمان سیاسی بهائیت، به قلم دکتر حمیدرضا اسماعیلی و ویراستاری دانشمند فقید مرحوم علی‌اکبر رنجبر کرمانی منتشر شد. در این کتاب آمده است که بهائیت، یک موضوع تاریخی صرف یا مربوط به حوزه فرق و ادیان اتحرافی نیست. تشکیلات بهائیت یک سازمان سیاسی در حال رشد پیش از انقلاب اسلامی بود که در سال‌های بعد همپای سازمان مجاهدین خلق به جاسوسی از مراکز ایران پرداخت. این تشکیلات از جمله اپوزیسیون‌های فعالی محسوب می‌شود که در داخل و خارج از ایران فعالیت دارد و در محافل سیاسی-بین‌المللی، به لابی‌گری علیه ایران مشغول بوده است. حقوق بشر و محیط زیست از جمله حوزه‌های انتخابی این سازمان است که در پوشش آنها به فعالیت می‌پردازد. آرزوی دیرینه آنان در ایران، کسب قدرت در حال حاضر و حکومت در آینده بوده است. آنها! ایدئولوژی و برنامه‌های خود را برای رسیدن به این مقصود بازنویسی کرده‌اند. این



➤عباس افندی، رهبر فرقه بهائیت

سازمان سیاسی که به نام دین بهائیت فعالیت دارد، از دهه ۱۳۷۰ با وضعیت جدیدی در صحنه حاضر شده است و با تلاش برای احیای تشکیلات خود متناسب با قرن ۲۱، به فعالیت سیاسی و ضدملی خود اقدام می‌کند. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، گرچه متون متعددی در باره بهائیت به نگارش در آمد، اما به ابعاد سازمان سیاسی آن کمتر توجه شد. تحقیق پیش‌و تلاشی دارد با فرا رفتن از روایت‌های توصیفی، به صورت تحلیلی و در چار چوب نظری مشخصی، بهائیت را مورد بازشناسی قرار دهد. بر این اساس اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

۱- ارائه روایتی از تاریخ بهائیت که ماهیت سیاسی آن را در تاریخ دو سده گذشته بازتاب دهد.
۲- سیر تحول تاریخی سازمان شدن بهائیت را با ادله و اسناد متقن و متکثر معلوم سازد.
۳- اهداف، ایدئولوژی، برنامه‌ها و فعالیت‌های تشکیلات سیاسی بهائیت را در زمان حاضر بررسی و تحلیل کند.

مزیت‌ها و سخنان جدید اثر عبارت‌ند از:

۱- تمرکز بر حلقه کوفه با همان حروف حی، به عنوان پدیدآورندگان بابت و رمزگشایی از اصطلاحاتی مانند آن.
۲- طرح بابت به عنوان مهم‌ترین پرونده امنیتی دوران قاجار و بررسی روش‌های مبارزاتی بایان برای رسیدن به قدرت از طریق شورش مسلحانه (در دوران فترت فقدان شاه‌قدیم و استقرار شاه جدید)، کودتای نافرجام ۱۲۶۷ قمری- که به وسیله امیرکبیر کشف و خنثی شد- و تروریسم.
۳- بررسی نزاع در رهبری بابت پس از اعدام باب و تصریح مستند به دلایل منتق به اینکه برادران نوری (باب‌ا و از) هیچ کدام جانشین باب نبودند.
۴- بررسی تحولات ایدئولوژیک بابی‌ها از افکار ارتجاعی نسل اول تا گرایش‌های آنان به روشنفکری و سکولاریسم در نسل‌های بعد.
۵- تحلیل جامعه‌شناختی از پیدایش بابت.
۶- تشریح نقش محافل مختلف مردم‌کلی در تأسیس بهائیت...»

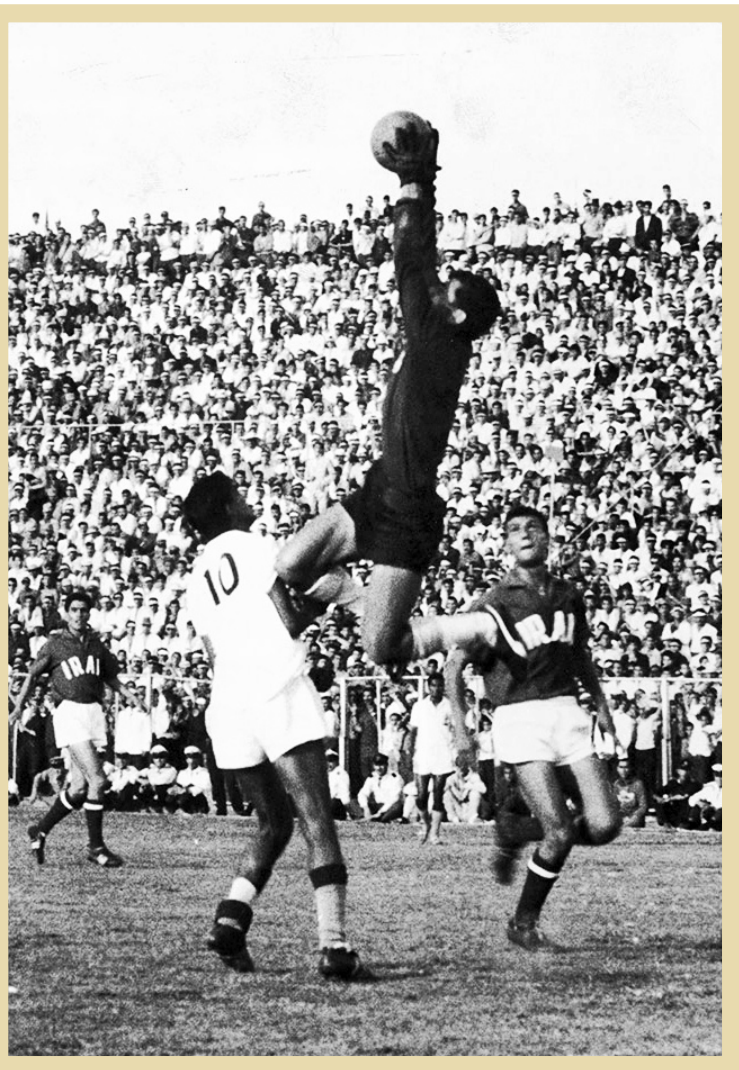
■ **سمانه رحمانی**

جوداتی که در طول تاریخ کشورمان روی داده است، عمدتاً نشان از ظلم‌ستیزی و روحیه سلحشوری ملت ایران داشته است. آنان این بر آشفتن بر ظلم را از مکتب عاشورا آموختند. بعد از جنگ جهانی دوم، ظلمی که استکبار و صهیونیسم بین‌الملل بر مردم مسلمان و مظلوم فلسطین روا داشتند، هیچ‌گاه از ذهن مردم ایران کمرنگ نشد و نخواهد شد. حکومت پهلوی به خاطر منافع خود، همواره حامی امریکا و اسرائیل بوده و این مسئله در تضاد با آرمان‌ها و خواسته‌های ملت ایران قرار داشته است. مردم ایران به دلیل حمایت حکومت پهلوی از اسرائیل، قادر به آشکارا نشان دادن بغض و کینه خود از عملکرد صهیونیست‌ها و حمایت از مردم فلسطین نبودند و وقایعی چون انجام بازی فوتبال، امکان واکنش مردم نسبت به این حکومت نامشروع را داد. رژیم اشغالگر قدس در طول حیات خود در مسابقات ورزشی فوتبال در پنج دوره بازی‌های ملی و یک بازی باشگاه در مقابل باز یکنان ایرانی ظاهر شده است. دو بازی ملی و یک بازی باشگاهی در ایران انجام شد که نتیجه هر سه بازی پیروزی تیم ایران در برابر تیم اسرائیل بود. شایستگی و غیرت جوانان فوتبالیست در کنار حمایت تمام‌عیار ملت ظلم‌ستیز ایران از آنان، باعث به‌وجود آمدن صحنه‌های زیبا در زمین فوتبال و شادی وصف‌ناپذیر مردم در تهران و شهرهای دیگر ایران شد. در مقال پی آمده، بر مسابقات فوتبال میان ایران و اسرائیل و حواشی آن مروری داشته‌یم. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **فینال چهارمین بازی فوتبال جام ملت‌های آسیا ۱۳۶۸/۲/۲۹**. ۲۱/صفر/۱۴۸۸ ه. ق.

در سال ۴۷ اولین بازی ایران و اسرائیل در تهران در مسابقاتی به میزبانی ایران در جام ملت‌های آسیا انجام شد. در فینال این مسابقات، تیم اسرائیل در مقابل تیم



■جمعه ۳ فروردین ۱۳۶۹ استادیوم امجدیه بازی ایران و اسرائیل

۳بازی فوتبال، محملی برای عیان شدن نفرت ایران از اشغالگران صهیونیست

روزی که مردم ایران «موشه دایان» را به آتش کشیدند!

ایران بازی کرد. این مسابقات یک سال بعد از جنگ شش

روزه اعراب و اسرائیل انجام شد که نتیجه‌ای جز شکست و جرحه‌دار شدن قلوب مسلمانان جهان نداشت. در این دوره از مسابقات، کشورهای هنگ کنگ، تایوان، میانمار، ایران و اسرائیل بازی کردند. ایران بعد از شکست دادن حرفان خود در مقابل تیم اسرائیل قرار گرفت. در روز شنبه ۲۹ دیبهشت، از ساعات اولیه روز مردم وارد استادیوم امجدیه شدند، ولی زمان کوتاهی طول نکشید که به‌لبت‌های بازی به اتمام رسید و درهای استادیوم بسته شد! بنا بر اسناد ساواک: «حبیب القایان قبلاً ۱۰ هزار لیت مسابقات جام آسیایی را خریداری و بین یهودیان تقسیم کرده است»^(۱). مردم در پشت درهای بسته استادیوم، ایستادند و منتظر باز شدن آن بودند. هلیکوپتر حامل غلامرضا پهلوی بر آسمان ورزشگاه و خیابان‌های اطراف آن در پرواز بود و هنگامی که او جمعیت را در پشت درهای بسته استادیوم مشاهده کرد، وارد ورزشگاه شد و دستور بازگشایی درهای آن را داد. جمعیت وارد استادیوم شدند و با هیجان بسیار، منتظر سوت آغاز بازی بودند. در طرف دیگر ورزشگاه، جمعیتی از یهودیان دیگر کشورها، شهر تهران و تعدادی از یهودیان شهرستان‌ها که برای حمایت تیم ملی اسرائیل آمده بودند، حضور داشتند. در جایگاه، غلامرضا پهلوی، تیمسار خسروانی در برابر تیم اسرائیل بود. شایستگی و غیرت جوانان فوتبالیست در کنار حمایت تمام‌عیار ملت ظلم‌ستیز ایران از آنان، باعث به‌وجود آمدن صحنه‌های زیبا در زمین فوتبال و شادی وصف‌ناپذیر مردم در تهران و شهرهای دیگر ایران شد. در مقال پی آمده، بر مسابقات فوتبال میان ایران و اسرائیل و حواشی آن مروری داشته‌یم. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

فوتبالیست‌های ایران از زیر قران رد و وارد زمین بازی شدند. سوت آغاز بازی به صدا در آمد. مردم با شوروهیجان توصیف‌ناشدنی، شروع به دادن شعارهایی علیه اسرائیل کردند: «با ره بریدن سر موشه دایان را». «موشه دایان گفت، چی گفت...»، تعدادی از تماشاچیان برای تمسخر وزیر دفاع اسرائیل (موشه دایان)، یک چشم خود را بسته بودند. در میانه بازی هم دسته‌های اعلامیه در فضای ورزشگاه به وسیله مبارزان به هوا پرتاب شد^(۲). نیمه اول بازی، صفر- صفر و بدون اتفاق ویژه‌ای، بدون گل به پایان رسید. اما نیمه دوم، داستانی کاملاً متفاوت

داشت. بازیکن اسرائیلی، گل اول بازی را زد. نفس‌ها در سینه حبس شد و تنها صدای شادی بازیکنان و تماشاچیان تیم حریف به گوش رسید. خیابان‌های تهران و ایران، خالی از رفت و آمد ر سکوت فرو رفته بود. مردمی که در منازل و قهوه‌خانه‌ها، درگاه‌ر تلویزیون به تماشا و پای رادیو به گوش ایستاده بودند، امید به خدا و غیرت بازیکنان ایران داشتند. در ادامه هر بازی زده شد. دلیل خطاها و کارت قرمزهایی که داشتند، با ۱۰ بازیکن بازی ادامه دادند. در دقیقه ۷۵، تساوی به وسیله همایون بهزادی زده شد و اعتراض بازیکنان اسرائیل، باعث توقف بازی شد، ولی با گفت‌وگویی که بین داوران انجام گرفت، گل ایران تأیید و بازی ادامه پیدا کرد. در دقیقه ۸۷، صلیح‌خانی گل پیروزی را به دروازه اسرائیل شلیک کرد و صدای شادی تماشاچیان، ورزشگاه را منفجر کرد. چند دقیقه بعد، سوت پایان بازی زده شد. بازی باز یکنان تیم ملی، دور افتخار را در زمین فوتبال زدند و تماشاچیان فریاد «چه‌ها متشکریم» را سر دادند. در آن طرف میدان اما بازیکنان معترض اسرائیلی به داور مسابقه حمله کردند! یهودیان و تیم اسرائیلی شکایت نپذیرفتند و اعتقاد به نادوری داشتند. در اسناد ساواک آمده است: «ایران تقریباً از کلیمیان تهران، نامعای به نشانی اسرائیل صدای ایران فرستاده و در آن از بی‌ملائی داور در بازی فوتبال ایران و اسرائیل شکایت کرده و این شکست را ظاهرانه بیان می‌کنند...». البته باید توجه داشت که اینگونه مظلوم‌نمایی‌ها، مخصوص صهیونیست‌هاست. آنها در طول تاریخ، هنگامی که با شکست شکست خورده‌اند، اینگونه از خود دفاع کرده‌اند و می‌کنند. بعد از بازی، نیروهای پلیس شتاب‌آلود، ورزشکاران اسرائیلی را به هتل‌های‌شان رساندند.

مردم از درهای استادیوم وارد خیابان‌های اطراف شدند، عروسک‌های موشه دایان را به آتش کشیدند و برخی از خانه‌ها و منازل جهودها هم در تهران مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد^(۳). در یکی از اسناد ساواک، تقرنای (از یهودیان ایران) بیان می‌کند: «در آن روز که فوتبالیست‌های ایرانی جام را از آن خود ساختند، عده‌ای

از یهودیان تهران را مورد آزار قرار دادند. اینجاست که ما یهودیان ایران به پیروزی در جنگ شش روزه پی می‌بریم و می‌فهمیم که اگر اسرائیل خدای ناخواسته در جنگ پیروز نمی‌شد، چه بر سر ما می‌آمد.»^(۴) در سند دیگری از ساواک که بر اساس مکاتبه مریم سعید جبوری ساکن خیابان گرگان در تهران خطاب به رادیو اسرائیل تنظیم شده، بیان شده بود که یهودیان به نتیجه بازی اعتراض داشتند! و اینکه وی اعتقاد به در دیدن کاپ قهرمانی توسط فوتبالیست‌های ایران را داشته و بیان کرده که در تیترو یکی از روزنامه‌های اسرائیل آمده که: «چند روز میهمان وحشی‌ها!». از طرف دیگر ایرانیان شاد و مسرور از پیروزی، تا صبح دوشنبه ۳۰ اردیبهشت به جشن و شادبازی پرداختند و در شهر شیرینی، بستنی و ساندویچ پخش می‌کردند، ماشین‌ها بوق‌زنان و چراغ روشن حرکت می‌کردند و خوشحال از شکست خفت‌بار تیم رژیم اسرائیل بودند، حتی جمال عبدالناصر این پیروزی را به فوتبالیست‌ها و مردم ایران تبریک گفت. چند روز بعد از بازی، فوتبالیست‌ها به بازار رفتند و بازاریان از آنها قدر دانی کردند^(۵). فوتبالیست‌ها بعد از مسابقات، به پابوسی امام رضا(ع) به مشهد رفتند^(۶). طبق یکی از اسناد به جای مانده از ساواک، ناراحتی یهودیان به حدی بود که یکی از کارمندان بانک ایران و خاورمیانه، به دلیل پخش کردن شیرینی در میان همکارانش، به وسیله رئیس بانک- که ربیع سینا کلیمی بود- توبیخ و از حقوقش کسر شده بود!

این مسابقات حساسیت بسیاری داشت. به دلیل اینکه مسابقات در ماه صفر اتفاق افتاده بود، روحانیون بر منابر در مورد این مسابقه و تشکر از تیم ملی سخن گفتند و انزجار خود را از دولت اسرائیل بیان کردند. در سندی که از ساواک به دست آمده در تاریخ ۴۸/۹/۱۱، آیت‌الله مقدس خراسانی در مسجد جامع سخنانی در مورد این مسابقه بیان کرد. در مقابل خاخام بزرگ یهودیان ایران بدیدیا شوفط در خاطرات خود در مورد بازی فوتبال، علاوه بر انکار کردن اهمیت این موضوع گفت: «مسابقه فوتبال بین تیم‌های دو کشوری بود که سرنوشت من و همه یهودیان ایران با نام و وجود آنها گره خورده بود... در آن ایام دولت ایران برای ایجاد امنیت و حفظ جان اسرائیلی‌های ایران و اتباع کشور اسرائیل به خصوص بازیکنان فوتبال خیلی فعالیت کرد...». او در ادامه بیان کرد: «این درست است که ایران و اسرائیل باهم را تباط داشتند، اما جلوی احساسات مردم عادی را نمی‌شد گرفت... روزهای حساسی بود...»^(۷).

■ **جام باشگاه‌های آسیا تاج ایران- هاپونل اسرائیل ۱۳۶۹/۱/۲۱**. ۳/صفر/۱۳۹۰ ه. ق.

۴/۱۰/۱۹۷۰ م.

در اولین روز شروع بازی‌های ایسن دوره، پرچم کشورهای شرکت‌کننده در این مسابقات به اهتزاز در آمده بود. در آن روز جوانان مسلمان مبارز، پرچم اسرائیل را به وسیله گل‌امکات کمی که در اختیار داشتند، به آتش کشیدند: «در لحظه‌ای که هیجان و شور مردم شدت می‌گرفت، ما به وسیله آبیاش‌هایی که پر از بنزین بود، پرچم اسرائیل را به آتش کشیدیم. از فردای آن روز، تمام پرچم‌ها را به غیر از پرچم ایران جمع کردند، البته در جایگاه مخصوص مقامات که به شدت محافظت می‌شد و در دسترس ما نبود، پرچم‌هایش را دست نزدند»^(۱). درهای ورزشگاه امجدیه، از ساعت ۱۰ صبح به روی مردم باز شد و سه ساعت بعد، ظرفیت ورزشگاه تکمیل گشت. با اینکه گنجایش ورزشگاه ۲۵ هزار نفر بود، ولی حدود ۵۵ هزار نفر به ورزشگاه رفتند. در این بازی‌ها تیم باشگاهی لبنان، از بازی با هاپونل اسرائیل امتناع کرده و این تیم، به راحتی راهی فینال شد. در این بازی غلام وفاخواه در دقیقه ۸۳ و مسعود معینی در دومین دقیقه وقت اضافه گل خود را زدند. در روز ۲۳ فروردین، کپهان ورزشی تیترو «شک مقدس برای پیروزی» را با چهره مسعود معینی به تصویر کشیده بود. علی جباری در این مورد بیان کرد: «بعد از بازی، تمام تهران را باز جشن بود. ماشین‌ها بوق می‌زدند و تهران چراغانی بود، حتی این جشن به روزهای بعد کشیده شد. در رستوران‌ها تا صبح، مردم در حال پایکوبی بودند...». جواد قرباب در این مورد بیان کرد: «همه هواداران فوتبال حتی پرسپولیسی‌ها هم از پیروزی ما خوشحال بودند، حتی ایدر پرسپولیس ممدوقی هم آمده بود و به ما تبریک می‌گفت...». مهدی حاج محمد نیز در این باره اظهار داشت: «به نظر من شوت مسعود، کار خدا بود...».

در مقابله با اسرائیل، هر کس وظیفه خود را به نحو شایسته‌ای انجام داد. فوتبالیست‌ها بازی غیر تمندانه‌ای کردند، تماشاچیان با تمام انرژی بازیکنان را حمایت کردند و جوانان مسلمان مبارز در حمایت از فلسطین، تمامی تلاش خود را برای نشان دادن نفرت خود به نمایش گذاشتند. عزت‌الله شاهی (مطهری) در خاطرات خود آورده است: «ما دو ماه جلوتر، از بازی فوتبال باخبر شدیم. از آنجا که احساسات ما به خاطر آتش زدن مسجدالاقصی جرحه‌دار شده بود، این مسابقه فرصت خوبی بود تا انتقام خود را بگیریم و نسبت به ارتباطات دولت ایران با اسرائیل، اعتراض کنیم. مسابقات حدود ۱۲-۱۰ روز طول کشید و ما از شب اول که مسابقات شروع شد، هر شب حدود ۱۰ هزار تراکت و اعلامیه چاپ و پخش می‌کردیم. با رد و بدل شدن هر شوت حساس در مسابقه، صدای تماشاچیان به آسمان برمی‌خاست و ما در این لحظه، دسته‌دسته اعلامیه بر سر آنها می‌ریختیم

که مردم اول فکر می‌کردند تکه‌های کاغذ را برای شادمانی پخش می‌کنیم... برای این روز ما یکسری پلاکار د که با دو چوب آفراشته می‌شد، درست

کردیم و در کنار کلیسایی که در نزدیکی امجدیه

بود، گذاشتیم و مردم را برای برداشتن پلاکاردها، تحریک و تشویق می‌کردیم. متنن پلاکاردها در محکومیت اسرائیل و دولت ایران و حمایت از مردم فلسطین بود و شعارهایی هم که سر داده می‌شد، حساب مردم را از دولت ایران جدا می‌کرد. در آن روز تیمسار طاهری، فرمانده کماندوها خود به استادیوم آمده بود. هنگامی که بازی به پایان رسید و اوضاع شلوغ شد، یکی از دوستان ما با چوب محکم به سر طاهری زد و در جمعیت گم شد! طاهری و مأموران خشمگین اطرافش، به خاطر ازدحام جمعیت، ضارب اصلی را نیافتند و یک نفر دیگر را گرفتند و همان جا کنکش زدند و به داخل اتومبیل انداختند و بردند... این مسابقه برای رژیم اهمیت زیادی داشت و نمی‌خواست پس از پایان مسابقه، اجتماع یا تظاهراتی صورت بگیرد، لذا پیشاپیش اتوبوس‌های دو طبقه شرکت واحد را برای نقل و انتقال سریع تماشاچیان تهیه و در مقابل امجدیه متوقف کرده بود. بچه‌ها با پرت کردن حواس پلیس و رانندگان، بیشتر اتوبوس‌ها را پنجر کردند... من برای آتش زدن چند مکان خود را آماده کرده بودم و چند شیشه کوکتل مولوتف برای ارتاب در جیب‌های کت گشادی که به تن داشتم، جاسازی کرده بودم. ساعت عصر پس از کلی لحظه‌شماری، مسابقه به پایان رسید. با از کار افتادن اتوبوس‌های شرکت واحد، جمعیت از خیابان‌های اطراف (شهید مفتح) پایین آمدند. در انتهای خیابان روزولت، جمعیت به سه دسته تقسیم شد، یک دسته به سمت میدان امام حسین و دسته دیگر به سمت چهارراه مخرالدوله رفتند... جمعیت اصلی هم به سوی میدان فردوسی و انقلاب هدایت شدند. من شیشه‌های کوکتل مولوتف را بین بچه‌ها تقسیم کردم. بچه‌ها یکی را در اطراف میدان فردوسی و یکی را هم در چهارراه حسن آباد به داخل ماشین پلیس انداختند و آنها را به آتش کشیدند... دفتر هواپیمایی ال‌عال در خیابان ویلا بود و ما از قبل آنجا را شناسایی کرده و برایش نقشه کشیده بودیم. خیابان ویلا به دلیل وجود مراکز مهم یهودی و بهائی، مانند حظیرةالقدس بهائیان و دفاتر اقتصادی یهودیان و بهائیان از حساسیت زیادی برخوردار بود. وقتی به سر این خیابان رسیدیم، به سمت دفتر حمله کردیم. دو پاسبان از دفتر مراقبت می‌کردند. آنها را فراری دادیم و شیشه‌ها و تابلوهای دفتر هواپیمایی را شکستیم. من دو تا کوکتل هنوز با خود داشتم... آنها را به درون دفتر انداختم و بعد صدای آژیر ماشین‌های پلیس و آتش نشانی بود که

متفرق سازد...»^(۲). سردار محمد رضا نقدی، معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد بازی ایران و اسرائیل چنین بیان می‌دارد: «پدرم کلب بود و ما بچه بودیم، ما را سوار ماشین کرد و به خیابان رفتیم. ماشین‌ها چراغ روشن و بوق‌زنان بودند، تمامی شهر ملو از شادی بود. نفرت از اسرائیل از روز اول در وجود مردم آزادی‌خواه ایران بود و مخصوص به بعد از انقلاب نیست...»

■ **فینال چهارمین بازی فوتبال جام ملت‌های آسیا/ دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۵۲**

در این بازی مانند دو بازی قبل، مردم همچنان تنفر خوش را نسبت به اسرائیل نشان دادند. روزنامه کپهان در مورد استقبال مردم و شور و هیجان بعد از بازی چنین آورده بود: «در شیراز از ساعت شروع بازی، خیابان‌ها خلوت بود. در تبریز مغازه‌هایی که تلویزیون می‌فروختند، یک تلویزیون را روشن کرده و

تیم ملی را به اینکه تابع حکومت بودند، به همین دلیل مغازه‌ها، جمعیت زیادی جمع شده بودند و شلیک تماشا می‌کردند و با پیروزی تیم ایران، مردم در خیابان‌ها صلوات می‌فرستادند. در قهوه‌خانه‌های مشهد، یادش جای سوزن انداختن نبود. مهدی عرب‌زاده معروف به مهدی شیپوری- که در مشهد شهرت داشت- هزار شمع برای پیروزی ایران نذر کرده بود...»^(۱). روزنامه‌های کثیرالانتشار دوره پهلوی با اینکه تابع حکومت بودند، نمی‌توانستند تنفر مردم مسلمان ایران از اسرئیل را پنهان کنند. روزنامه اطلاعات در این مورد آورده بود: «قدرت اسرائیل را با سلاح همت و غیرت در هم می‌زنند. کمک‌م‌کم تیم ملی ایران گفت: حریف نیک‌تریم. کار کشته است، اما غرور و تعصب بچه‌های ما را نباید دست کم گرفت...»^(۲).

■ **کلام آخر**

در مسابقات فوتبال ایران و اسرائیل، هویت سیاسی و تنفری که در قلوب جامعه و مردم ایران نسبت رژیم صهیونیستی بود، آشکار شد. به صورتی که بعد از مسابقات سال ۱۳۵۲، تیم ایران و اسرائیل هیچ‌گاه مقابلی همدیگر بازی نکردند. این نفرت سرانجام و در چند سال بعد، با پیروزی انقلاب پرشکوه اسلامی، به تمامی خود را نشان داد.

■ **منابع:**

۱- اسناد ساواک، ش ۴/۱۰/۶۳۸۷.
۲- کیست از شما از تمامی قوم/ او، یاندله، ج ۳، مترعزری، اورشلیم، ۲۰۰۰. مترجم: ابراهام خاخمی، ص ۲۴/۲۵.
۳- اسناد ساواک، ش ۱۱/۲۵۲.
۴- عزت‌شاهی، ص ۱.
۵- اسناد ساواک، ۱۳۴۷/۲/۴.
۶- کپهان ورزشی، ش ۶۹۳، ص ۲۴.
۷- روزنامه کپهان ورزشی، ش ۶۹۳، ص ۵.
۸- خاطرات بدیدیا شوفط، نوشته منوچهر کوهن- چاپ لس آنجلس بهار ۱۳۸۰. نشر بنیاد فرهنگی خاخم بدیدیا شوفط، ص ۳۳۴.
۹- خاطرات عزت‌شاهی، ص ۵۲.
۱۰- خاطرات عزت شاهی، ناشر: سوره مهر، محسن کاظمی، ۱۳۸۸. ۴/۵۳/۲۵/۵۱.
۱۱- روزنامه کپهان، شماره ۹۳۶۳، ص ۲.
۱۲- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۵۰۹.



عزت‌الله شاهی (مطهری) از مبارزان انقلاب اسلامی